روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۲۳ مهر ۱۴۰۴ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۳۷ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۱ سال و ۴۴ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4437 | WED.OCT.15, 2025 | ISSN:2008-2886

مراسم تشییع پیکر محمد کاسبی
با حضور پرشور مردم و هنرمندان برگزار شد

قدردانی از خوش‌غیرت

صفحه ۸

طلوع پسر باد

به بهانه شکست اژدهای شرق
به دست بنیامین فرجی ۱۵ ساله

صفحه ۶

استندآپ شرم‌آور

ترامپ نشست شرم‌الشیخ را به یک نمایش مهوع برای گرفتن ژست صلح‌طلبی تبدیل کرد

عکس: AP

تیترهای امروز

مقاومت پایتخت‌نشین‌ها در جنگ ۱۲ روزه چرا به نمادهای فرهنگ‌ساز تبدیل نشده است؟

کدام تهران؟

صفحه ۸

مقایسه اظهارات ترامپ در ریاض و تل‌آویو؛ برای آمریکا فشار حداکثری بر ایران مهم‌تر از جنگ است

همان همیشگی!

صفحه ۲

ایران در مجمع بین‌المللی سرمایه‌گذاری ۲۰۲۵ در تاجیکستان حضور یافت

شکل‌گیری همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد جای خالی معرفی جاذبه‌های گردشگری تهران

ویژه

برند پایتخت کجاست؟

صفحه ۴

صلح در سایه سیاست یا سیاست در لباس صلح؟

نگاه
فرزانه دانایی

اجلاس شرم‌الشیخ که روز یکشنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵ در مصر برگزار شد، یکی از پرحاشیه‌ترین نشست‌های سیاسی سال‌های اخیر بود. این اجلاس با حضور بیش از ۲۰ رهبر و نماینده بلندپایه از اروپا، آسیا، خاورمیانه و آفریقا، با هدف تثبیت آتش‌بس میان اسرائیل و حماس و تدوین نقشه‌ای برای بازسازی غزه تشکیل شد.

آنچه در ظاهر، «نشست صلح» نام گرفته بود، در واقع بازتابی از یک نبرد دیپلماتیک چندلایه بود میان قدرت‌هایی که هر یک می‌کوشند آینده نظم منطقه را به نام و به نفع خود بازنویسی کنند.

البته اجلاس شرم‌الشیخ در شرایطی برگزار شد که با وجود حضور گسترده مقامات بیش از ۳۰ کشور از جمله فرانسه، بریتانیا، آلمان، قطر، ترکیه، اردن و امارات، ۲ غایب بزرگ بر فضای نشست سایه انداخت: بنیامین نتانیاهو و نمایندگان حماس. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرد نتانیاهو به دلیل همزمانی اجلاس با تعطیلات مذهبی «سیمحات تورا» قادر به شرکت در آن نیست اما منابع دیپلماتیک در ترکیه و مصر فاش کردند دلیل اصلی عدم حضور وی فشارهای ترکیه و قطر بوده است. اگرچه نتانیاهو سعی کرد غیبت خود را به مراسم عید یهودیان گره بزند اما روزنامه گاردین خبر داد ترامپ قصد داشت در لحظات پایانی، نتانیاهو را به طور غیرمنتظره‌ای به اجلاس دعوت کند اما رجب طیب اردوغان هشدار داد در صورت حضور نتانیاهو، از اجلاس خارج خواهد شد. در نتیجه، این دعوت لغو شد و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در شرم‌الشیخ ظاهر نشد. عدم حضور ایران در این اجلاس نیز نشان داد بر خلاف تلاش ترامپ برای مدیریت کامل صحنه، دیگر بازیگران منطقه‌ای حاضر نیستند بدون شرط و بی‌حساب، در پروژه‌های سیاسی آمریکا مشارکت کنند.

■ بیانیه «صلح و رفاه پایدار»؛ ابهام در اجرا و محتوا

نشست با امضای بیانیه‌ای موسوم به «صلح و رفاه پایدار» پایان یافت؛ سندی که به ادعای ترامپ قرار است چارچوب بازسازی غزه و نظارت بر اجرای آتش‌بس را فراهم آورد. ترامپ که همچنان معتقد است جایزه صلح نوبل باید به او تعلق می‌گرفت، در این مراسم با ژست یک پیامبر صلح وارد میدان شد و در سخنرانی خود در مراسم امضا گفت: این صلح ۳ هزار سال طول کشید تا به دست آید و حالا پابرجا خواهد ماند. با این حال بسیاری از تحلیلگران حقوق بین‌الملل بر این عقیده‌اند این بیانیه فاقد سازوکار اجرایی، جدول زمانی مشخص یا نهاد ناظر بین‌المللی است ...

ادامه در صفحه ۷

گزارش
محمدصدرا مرادی

ترامپ با آن ژست متفرعنانه و مشمئزکننده بالای میزی نشست که سران برخی کشورهای غربی، عربی و اسلامی در پایین آن حضور داشتند. ترامپ مدعی است جنگ غزه را متوقف کرده اما کیست که نداند دست او و اسلافش در جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم مظلوم فلسطین پیداست؟!

هنوز یادمان نرفته در روزهای اول پس از عملیات توفان‌الاقصی، رژیم صهیونیستی قافیه را باخته بود و این مقامات سیاسی ژنرال‌های آمریکایی بودند که سرآسیمه خودشان را به تل‌آویو رساندند تا مبادا کار از دست‌شان خارج شود. دولت بایدن سریع برای نتانیاهو اتاق جنگ تشکیل داد. ژنرال‌های آمریکایی فورا نقشه حمله کشیدند. بایدن حتی ژنرال‌هایی را که در عراق دست‌شان به خون صدها هزار عراقی آغشته بود فراخواند تا به صهیونیست‌ها کمک کنند. نقشه ورود زمینی رژیم صهیونیستی به غزه را نیز آمریکایی‌ها کشیدند. حملات رژیم به لبنان و ایران و یمن نیز با هماهنگی و مشارکت آمریکا انجام شد. آمریکایی‌ها تمام‌قد کنار رژیم صهیونیستی قرار گرفتند و از رژیم حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی و نظامی کردند. تمام ارزش‌ها و هنجارهای ادعایی نظام لیبرال - دموکراسی را پای منافع صهیونیست‌ها ذبح کردند. حتی در درون آمریکا نیز یک ماشین سرکوب راه انداختند و جوانان، دانشجویانی و اساتیدی را که از مردم مظلوم غزه حمایت می‌کردند، سرکوب و از تحصیل و تدریس محروم کردند. ۲ دولت بایدن و ترامپ یک مک‌کارتیسم جدید را این بار علیه حامیان مردم مظلوم غزه به راه انداختند. ماجرا به همین‌جا ختم نشد؛ دولت ترامپ وقاحت را به اوج رساند و قضات دادگاه کیفری لاهه را به خاطر صدور حکم جلب نتانیاهو تهدید کرد و تحت فشار قرار داد. نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل بارها قطعنامه‌های سایر کشورها برای توقف جنگ در غزه را وتو کرد تا همه دنیا متوجه شود دست آمریکا به خون ده‌ها هزار کودک فلسطینی در غزه آلوده است. حمایت از رژیم صهیونیستی آنقدر برای دولت آمریکا ناموسی بود که حتی نتوانستند در مقابل اقدام نمایشی برخی کشورهای اروپایی مبنی بر به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین، خودشان را کنترل کنند. آمریکا چه در دولت بایدن و چه در دولت ترامپ، هر کاری از دستش برآمد برای حمایت از رژیم صهیونیستی انجام داد. بمب‌هایی که بر سر مردم مظلوم غزه ریخته شد، همه مُهر ساخت آمریکا داشت. دولت آمریکا ۲۲ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک کرد؛ کمک‌هایی در قالب ارسال تسلیحات پیشرفته و حمایت‌های مالی.

کیست در عالم که این همه همراهی و کمک دولت آمریکا را ندیده باشد؟ چه کسی می‌تواند انکار کند آمریکا شریک جرم رژیم در ۲ سال جنایت، کشتار و نسل‌کشی در غزه بوده است. اگر نبود کمک‌ها، همکاری‌ها و همراهی‌های ترامپ، نتانیاهو جرأت حمله به لبنان و یمن و ایران را نداشت. علاوه بر نزدیک به ۱۰۰ هزار شهید در غزه، رژیم صهیونیستی و آمریکا هزاران نفر را در لبنان و یمن و ایران نیز به خاک و خون کشیدند. همه دنیا شهادت می‌دهد در جنگ ۱۲ روزه، ایران تنها برابر رژیم صهیونیستی نایستاد، بلکه در اصل، این آمریکا بود که هم مستقیما به ایران حمله کرد و هم نیروی نیابتی خود یعنی رژیم صهیونیستی را به جان مردم مظلوم ایران انداخت.

ترامپ در حالی بر صدر نشست شرم‌الشیخ تکیه داد که خودش متهم و مجرم ردیف اول جنایات صهیونیست‌هاست.

آنچه او تحت عنوان طرح صلح غزه ارائه کرد هم یک شامورتی‌بازی جدید است؛ هم فهمیده بودند رژیم صهیونیستی در وضعیت بغرنجی هم در میدان و هم در افکار عمومی جهانیان قرار دارد، هم این طرح را به شکلی اجرا کردند که زمینه تهاجم و تجاوز مجدد رژیم صهیونیستی به غزه را فراهم کند.

آنچه در شرم‌الشیخ گذشت، یک نمایش مهوع و شرم‌آور بود؛ نمایشی که تلاش داشت بر واقعیات جنگ و جنایات آمریکا علیه مسلمانان سرپوش بگذارد. ترامپ اگرچه نتوانست جایزه نوبل صلح را به دست بیاورد اما همچنان تلاش دارد خود را یک فرد صلح‌طلب و ناجی غزه معرفی کند؛ یک ادعای دروغ و چندش‌آور.

رفتارهای سخیف ترامپ در بالماسکه شرم‌الشیخ هم این نشست را مشمئزکننده‌تر کرد. شوخی‌های زننده، سخیف و توهین‌آمیز او با رهبران دنیا، این نشست را به یک سیرک بی‌مزه تبدیل کرد. از رفتار توهین‌آمیز با نخست‌وزیر انگلیس گرفته تا کنایه‌های جنسی به نخست‌وزیر ایتالیا و همین‌طور جملاتی که در مواجهه با نماینده امارات درباره پول زیاد گفت؛ این نشست را شبیه میهمانی فرد متفرعنی کرده بود که نوچه‌هایش را گرد خود جمع کرده و برای خنداندن حضار، هر کدام را به شیوه‌ای می‌نوازد.

نشست دوشنبه‌شب شرم‌الشیخ حقیقتا نمایش جدیدی از دون‌پایگی ترامپ بود.

او حتی در تلاشی مذبوحانه سعی کرد ایران را نیز به بالماسکه شرم‌الشیخ بکشاند. برای ایران دعوتنامه نیز فرستاد اما ایران با توجه به واقعیات مربوط به جنگ غزه و نقش آمریکا در جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه، همچنین با اطلاع از اهداف ترامپ از این نمایش مضحک، این دعوت را رد کرد. عدم حضور ایران در این نشست، چند پیام مهم داشت.

ایران اگرچه از پایان جنگ در غزه استقبال کرده و می‌کند اما هرگز ژست و ادعای صلح‌طلبی ترامپ را به رسمیت نشناخته و نمی‌شناسد. حضور ایران در این نشست به معنای پذیرش ادعای ترامپ بود اما ایران با عدم حضور در این نشست، نشان داد حاضر نخواهد شد واقعیات مربوط به نقش آمریکا در جنایات ۲ سال اخیر را نادیده بگیرد.

نکته مهم دیگر این بود که ایران به عنوان سردمدار مقاومت، اعتبار و آبروی خود را هزینه نمایش ترامپ نکرد. دعوت ترامپ از ایران برای حضور در این نشست، برای این بود که ایران به عنوان محور جبهه مقاومت، بر ادعای صلح‌دوستی ترامپ، مهر تأیید بزند.

یک نکته مهم دیگر درباره عدم حضور ایران در این نشست، آگاهی تهران از سوءاستفاده ترامپ از این حضور بود. بدون تردید در صورت حضور ایران در این نشست، ترامپ تا مدت‌ها به این موضوع اشاره و تلاش می‌کرد وانمود کند حضور ایران، نتیجه جنگ ۱۲ روزه و عقب‌نشینی ایران از اصول و سیاست‌های منطقه‌ای خود بوده است. در واقع هدف ترامپ از ارسال دعوتنامه برای ایران، این بود که ادعا کند جنگ ۱۲ روزه باعث تضعیف ایران و تبعیت جمهوری اسلامی از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا شده است. از این رو، این دعوتنامه یک دام بزرگ برای ضربه زدن به اعتبار ایران بود.

در این بین برخی در ایران معتقد بودند باید دعوتنامه حضور در نشست شرم‌الشیخ را جدا از مساله غزه و در راستای مناسبات میان ایران و آمریکا ارزیابی کرد. این عده مدعی بودند حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ، چراغ سبز به دولت ترامپ بود تا طرفین یک‌بار دیگر پای میز مذاکره نشسته و درباره موضوع هسته‌ای ایران به توافق برسند. این موضوع، یک موضع ساده‌لوحانه و نشان‌دهنده عدم شناخت از واقعیات مربوط به سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران است. این افراد در حالی حضور ایران در نمایش مهوع ترامپ را یک فرصت برای مذاکره میان ایران و آمریکا تلقی کردند که تنها چند ماه از حمله به ایران گذشته است. این افراد در حالی از مذاکره با آمریکا سخن می‌گویند که ایران و آمریکا در حال مذاکره بودند که ترامپ فرمان حمله به ایران را به نتانیاهو داد. آنچه ترامپ در این ماجرا انجام داد، واضح‌ترین پیام درباره عدم اعتقاد آمریکا به مذاکره با ایران بود. این سیاست دولت آمریکا در مذاکرات مربوط به مکانیسم ماشه نیز ادامه یافت. سیدعباس عراقچی شامگاه شنبه در یک برنامه تلویزیونی تصریح کرد دولت آمریکا حاضر به مذاکره با ایران نشد و حتی گفته بود در ازای از بین رفتن ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران، فقط حاضر است مکانیسم ماشه را ۶ ماه تمدید کند. بنابراین در ماجرای مکانیسم ماشه هم مشخص شد سیاست دولت ترامپ، عدم مذاکره با ایران است. بنابراین با توجه به این رفتار دولت ترامپ، چگونه این عده در ایران همچنان امید دارند ترامپ وارد مذاکره با ایران شود؟ از یک ماه گذشته تاکنون چه اتفاقی افتاده که این افراد تصور می‌کنند در سیاست آمریکا علیه ایران تغییر ایجاد شده است؟ بنابراین حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ، اگر با هدف از سرگیری مذاکره با آمریکا انجام می‌شد، یک اقدام اشتباه و همراه با هزینه‌های هنگفت برای آبرو و اعتبار کشور بود.

نشستن پای میزی که ترامپ در صدر آن قرار داشت و ماحصلش چیزی جز اعتباربخشی به وی و دادن هزینه برای ایران و مقاومت نبود، یک اشتباه استراتژیک بود.

ایران با درک همین واقعیات تصمیم گرفت در نشست شرم‌الشیخ شرکت نکند. این تصمیم ایران، کاملا منطقی و واقع‌بینانه بود.

اگر ترامپ حقیقتا دنبال مذاکره با ایران است، پیش‌نیاز آن، شرکت ایران در نشست شرم‌الشیخ نبوده و نیست.

ضمن اینکه ایران با عدم حضور در این نشست، نشان داد همچنان بر سیاست‌های واقع‌بینانه خود در منطقه و نسبت با جبهه مقاومت پایداری می‌کند. ایران با استناد به واقعیات ۲ سال اخیر، آمریکا را شریک جرم جنایت‌های رژیم صهیونیستی می‌داند؛ جنایت‌هایی که نتانیاهو هم علیه مردم غزه انجام داد، هم علیه مردم لبنان، یمن و ایران. در جنگ ۱۲ روزه، در واقع این آمریکا بود که در مقابل ایران قرار داشت. نزدیک ۱۱۰۰ نفر از مردم ایران که ۷۰ درصد آنها غیرنظامی بودند، در این جنگ به شهادت رسیدند. این جنایت نتیجه همدستی آمریکا با رژیم صهیونیستی بود. در غزه و لبنان نزدیک ۱۰۰ هزار زن و کودک و مرد بیگناه به شهادت رسیدند. در یمن، حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی جان صدها نفر از مردم غیرنظامی را گرفت. چگونه می‌توان نسبت به این جنایات چشم‌پوشی کرد و در محفلی نشست که هدفش خون‌شویی بود؟ هدفش تطهیر چهره ترامپ بود. هدفش نه‌تنها تطهیر قاتل، بلکه قهرمان‌نمایی او بود. ایران به درستی نشستن در این محفل شرم‌آور را نپذیرفت.

صفحه ۷ را بخوانید

شرم‌الشیخ؛ عدم حضور ایران و چند نکته پیرامون آن

دیدگاه
مصطفی رضایی

دیروز در اجلاس صلح غزه در شهر شرم‌الشیخ مصر، چهره واقعی سیاست بین‌الملل بار دیگر در برابر چشمان جهانیان به نمایش گذاشته شد.

جایی که دونالد ترامپ نقش میزبان، صاحب‌امتیاز و منجی را ایفا کرد و رهبران کشورهای بزرگ را به شکلی آشکار مورد تحقیر و بازی دادن قرار داد. در چنین صحنه‌ای، تصمیم مقامات جمهوری اسلامی ایران برای عدم شرکت، نه‌تنها فرصت‌سوزی در صحنه دیپلماسی نبود، بلکه مانعی در مسیر مشروعیت‌بخشی به نمایشی بود که می‌خواست «صلح جهانی» را با دیکته یک طرف پیش ببرد.

۱- ترامپ و نمایش قدرت

ترامپ در سخنرانی‌ها و نشست‌های حاشیه‌ای اجلاس (چه قبل از ظهر در کنست رژیم اشغالگر و چه بعد از ظهر در شرم‌الشیخ) نه‌تنها به نقش آشکار قدرت غالب پرداخت، بلکه با کنایه‌گویی و طعنه به طرف‌های حاضر، جایگاه خود را فراتر از یک میانجی نشان داد. رفتار او نشان می‌داد این نشست تنها تریبونی برای بازنمایی نفوذ آمریکا در منطقه بود، نه مکانی برای گفت‌وگوهایی از موضع برابر و دوجانبه. یکی از نکات قابل تأمل، دعوت از اسرائیل برای حضور در اجلاس بود؛ دعوتی که ابتدا پذیرفته شد و سپس به دلیل مخالفت ترکیه و دیگر کشورها لغو شد. این رفتار دوگانه، تصویر روشن‌تری را از ماهیت نشست عیان کرد. اجلاس نه صلح‌جویانه، بلکه محملی برای مشروعیت‌بخشی به روایتی است که از پیش طراحی شده.

۲- عدم شرکت ایران در نمایش ترامپ

در چنین شرایطی، ایران تصمیم گرفت دعوتنامه را رد کند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در یادداشتی نوشت: «نه رئیس‌جمهور و نه من نمی‌توانیم با کسانی که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان تهدید و تحریم می‌کنند، وارد تعامل شویم». این موضع نه صرفاً یک موضع نمادین، بلکه بیانگر مرزبندی راهبردی بود. ایران حاضر نیست در نمایش دیکته‌شده‌ای شرکت کند که مشروعیت آن دست‌کم یک‌طرفه و مبتنی بر فشار و تحمیل است.

با این انتخاب، ایران چند دستاورد مهم داشت:

- حذف امکان استفاده از حضور ایران برای مشروعیت‌بخشی به پروپاگاندا و روایت غالب اجلاس
- پرهیز از درگیر شدن در ابتذالی که نمایندگان رسمی، مجبور به سکوت یا همراهی می‌شوند
- نگه داشتن اهرم‌های دیپلماتیک در دست، به جای تبدیل شدن به مهره‌ای در بازی دیگران

برخی معتقدند ایران فرصت دیپلماسی منطقه‌ای را از دست داد اما در شرایطی که گفت‌وگویی واقعی در اجلاس نبود، شرکت کردن شاید بیش از آنکه فرصت باشد، به یک ابزار بهره‌برداری تبدیل می‌شد.

۳- پیام به منطقه و جهان

اجلاس شرم‌الشیخ بار دیگر نشان داد صلح تحمیلی، صلح نیست. گفت‌وگو زمانی معنا دارد که بر پایه احترام متقابل و توازن واقعی قدرت شکل گیرد، نه بر محور نمایش و تحقیر. رفتار ترامپ در این نشست یادآور این واقعیت بود که برخی قدرت‌ها هنوز به مذاکره به چشم ابزار فشار نگاه می‌کنند، نه فرصت تفاهم.

در چنین فضایی، تصمیم جمهوری اسلامی برای عدم حضور، معنایی فراتر از یک غیبت دیپلماتیک دارد؛ پیامی است روشن به منطقه و جهان: تهران خواهان گفت‌وگو است اما نه هر گفت‌وگویی. مشارکت در نشستی که از پیش نتیجه‌اش نوشته شده و طرف‌ها تنها نقش سیاهی‌لشکر را دارند، نه تنها سودی ندارد، بلکه به زیان استقلال سیاسی کشورها تمام می‌شود.

اشاره به این نکته ضروری است که جمهوری اسلامی همواره از آتش‌بس فوری در غزه، توقف کامل ماشین کشتار و ارسال کمک‌های انسانی بدون قید و شرط حمایت می‌کند اما حاضر نیست در نمایشی شرکت کند که هدفش مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های همان قدرت‌هایی است که یا در سکوت، یا در عمل، به تداوم جنگ دامن زده بودند.